

الخطبة الأولى لقبول كربلاء

آقا و سرورمان حضرت حجّت ابن الحسن
المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زیارت ناحیه
مقدّسه خطاب به جدّ مظلوم و غریب خود
حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام عرضه میدارد

فَلَيْسَ أَرْتِنِي الرَّفُورُ وَ عَاقِنِي عَنِ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ وَ لَمْ أَكُنْ لَيْسَ
مَهَابًا لَمْ يَنْصَبْ لَكَ الْعَرَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَا تُدْبِرْكَ صَبَاها وَ
مَسَاءًا، وَ لَا تَبْلُغُنِي بِرَبِّ الدُّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيكَ وَ تَأَهُبًا عَلَي مَادِلَمَاكَ
وَ تَعْرِفُنِي هَتَّى تَرْتَبِ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَ غَضَّةِ الْإِكْتِيَابِ ...

... سلام بر تو، سلام آن کسی که به حُرمت تو آشناست، و در ولایت و
دوستی تو مُخلص و بی‌ریاست، و به سبب حُبّت و ولای تو به خدا
تقرب جسته، و از دشمنان تو سلام کسیکه دردناک و
اندوهگین و سرگشته است و از شدّت غم، بی‌چیز شده و از حرکت باز
ایستاده است، سلام کسی که اگر با تو در کربلا می‌بود، با جانش (در
برابر) تیزی شمشیرها از تو محافظت می‌نمود و اقیانان جانش را به
خاطر تو بدست مرگ می‌سپرد و در رکاب تو جانش می‌کرد و را علیه
ستمکاران یاری می‌نمود، و جان و تن و مال و فرزندان را فدای تو می
نمود. (ای کاش) جانش فدای جان تو، و خانواده‌اش سپر بلای آنها
تو می‌بود. پس اگر روزگاران مرا به تاخیر انداخت، و تقدیر الهی
مرا از یاری تو بازداشت، و نبودم تا با آن‌که با تو جنگیدند
بجنگم و با آن‌که با دشمنی تو برخاستند به دشمنی برخیزم؛ (در
عوض) هر صبح و شام بر تو ندبه و زاری می‌کنم و بر تو به جای
اشک، خون گریه می‌نمایم از روی حسرت بر تو و از سر سوز و
تأسف بر مصیبت‌هایی که بر تو وارد گشت؛ تا آن زمان که در
اثر سوز جانفرسای مصیبت و غصه جانکاه و اندوه، جان سپارم...

انوار السعادة

جزء

سرر الشهادۃ

عالم ربانی ملا آقا بزرگوار بن رمضان زاهد دیندی شیروانی حائری

معروف بہ بلا آقا دیندی

متوفی
۱۲۸۵ھ ق

جلد اول

مترجم: حاج میرزا حسین شریعتی تبریزی

تحقیق و تصحیح: گروه تحقیقاتی انتشارات طوبی محنت

الهی خدایا

پدیدآورنده
عنوان
کرات نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
داشته
موضوع
موضوع
سازنده
شناسه اثر
رده کنگره
رده دیویی
شماره کتابخانه ملی

دریندی، آقا بن عابد، ۱۲۰۸ - ۱۲۸۵ ه. ق.
انوار السعاده.
تالیف ملا آقا دریندی؛ ترجمه حسین شریعتمدار تبریزی.
قم: طوبای محبت، ۱۳۹۲
ج ۲.
ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۸۵-۷۹-۱
فیفا.
اثر حاضر ترجمه کتاب اسرار الشهادت می باشد.
کتابنامه.
واقعه کربلا، ۶۱ ق.
حسین بن علی علیهما السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق.
شریعتمدار تبریزی، حسین ۱۳۳۱ ق - مترجم.
گروه تحقیقاتی انتشارات طوبای محبت.
۱، الف ۵۱ / د ۴ / ۵ / ۴۱ BP
۲۹۷ / ۹۵۲
۳۳۹ :



ترجمه اسرار الشهادت (جلد اول)

در مقتل حضرت علی (ع) الشهداء علیه السلام
مولف: عالم ربانی مرحوم ملا آقا دریندی ش. روانی. متوفای ۱۲۸۵ ه. ق
انتشارات: طوبای محبت
گرافیک و صفحه آرایی: فدک
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
جایخانه و نوبت چاپ: طه، سوم ۱۳۹۷
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۸۵-۷۹-۱
قیمت دوره: ۱۱۰۰۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار سمیه، خیابان عباس آباد (شهیدین)، پلاک ۱۱۲
۰۹۱۲۲۵۳۴۹۶۷ ۰۹۱۲۶۵۱۴۳۲۹ ۰۲۵-۳۷۸۳۲۱۴۳ ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۶۶

مرکز توزیع بین المللی کتب و آثار اسلامی رسالت غدیر

www.tobaymohebat.ir

info@tobaymohebat.ir

www.islamicbookshop.net

سامانه پیامک: ۲۵۱ ۱۰ ۳۳۰ ۱۳ ۵۰۰۰

@tobaymohebat

حق جاب محفوظ است

امیرالمؤمنین (ع)

سخن ناشر

«اکسیر العبادة فی اسرار الشهادة»، تالیف ارزشمند عالم فاضل مرحوم «ملا آقا دربندی» می باشد. ایشان از شخصیت های برجسته قرن سیزدهم هجری، فقیهی متبحر و متکلمی محقق بود که در علوم معقول و منقول، مهارت تمام داشت.

فاضل دربندی در سال ۱۱۸۰ هجری قمری در محضر علمای بزرگ آن زمان، چون: ملا محمد مازندرانی (ع)، معروف به «شریف العلماء» و سید ابراهیم قزوینی (ع)، صاحب «ضوابط» و دیگر استادان بهره برد، تا اینکه به مراتب والایی از دانش و فضل نائل آمد. وی در علوم مختلف صاحب نظر و تالیف بود. فاضل دربندی در سال ۱۱۸۰ هجری قمری به تحقیق و تدریس و تربیت شاگردان پرداخت و جمع زیادی از محضرش بهره برد شدند.

مؤلف «قصص العلماء» از وی چنین یاد کرده است: «آنچه در آثار آقا دربندی در صدف فقاقت و اجتهاد، عالم عامل باسواد (راستی و درستی در گفتار و کردار) علامت این از من، از شاگردان شریف العلماءست...». محدث قمی (ع) هم در «فوائد الرضویة» این گونه تعبیر می کند: «شیخ فقیه، نبیه متکلم، محقق مدقق، جامع معقول و منقول، عارف به فقه و اصول، از شاگردان شریف العلماءست...».

فاضل دربندی (ع)، افزون بر جهات علمی و عملی، ویژگی های منحصر به فردی داشت؛ عزاداری ایشان در مصائب سید الشهداء (ع)، کم نظیر بود. آن بزرگوار در فتنه بایه در کربلای معلای مجروح شد، و به تهران آمد و سال های پایانی عمرش را در تهران به وعظ و ارشاد مردم گذراند. این عالم فرزانه سرانجام در سال ۱۲۸۵ هجری قمری درگذشت. پیکر پاکش را در جوار بارگاه ملکوتی سید الشهداء حضرت اباعبدالله (ع) به خاک سپردند.

کتاب حاضر با عنوان «انوار السعادة» در ترجمه «اسرار الشهادة» که توسط «محمد حسین بن علی اکبر شریعتمدار تبریزی» (۱۳۳۱ هـ ق) ترجمه گردیده بود، از نسخه قدیمی و چاپ سنگی آن اقتباس و بازنگری و با هدف تعظیم شعائر حسینی و احیاء امر اهل بیت علیهم السلام و همچنین معرفی بیشتر معارف و فرهنگ عاشورا که در بیان نورانی فاضل دربندی آمده است، به زیور طبع اراسته گردید که به این واسطه هم توفیق انتشار «اسرار الشهادة» را یافته و نیز نسخه قدیمی کتاب مرحوم شریعتمدار که بسیار ادیبانه با نثر زیبایی ترجمه شد، احیاء گردید، (الحمد لله رب العالمین).

گروه تحقیقاتی انتشارات مطهر بای محبت و خادمان مکتب حسینی علیهم السلام توفیق یافتند به مدت سه سال فعالیت مستمر، با بررسی نسخ خطی و چاپ سنگی نسخه عربی و ترجمه فارسی و با حروفچینی مجدد، مقابله، تصحیح و تحقیق، ذکر منابع، ارجاعات و پاورقی، همچنین بازنگری آیات و روایات مندرج در کتاب «اسرار الشهادة» و با رعایت امانت در اصل و ترجمه آن، کتاب حاضر را به صورت تبویب و عنوان بندی شد در دو مجلد آماده و به محضر مشتاقان و معرفت جویان ساحت مقدس حضرت ایدالشهداء علیهم السلام تقدیم نموده است.

در تهیه و آماده سازی کتاب، خصوصاً در تصحیح و مقابله، علاوه بر استفاده از نسخه قدیمی کتاب که نمونه‌ای از آن در صفحه بعد آمده است، نسخه عربی آن با تحقیق «شیخ محمد جمعه بادی و استاد عباس ملا عطیه الجمری» که توسط نشر ذوق العربی منتشر گردید، و در بخشی از مصادر و منابع و مقابله متن عربی، بهره‌برداری صورت گرفته است، و همچنین استاد معظم «حجة الاسلام بندانی نیشابوری» که از مفاخر شیعه و مقتل شناس عصر کنونی می‌باشد با مقدمه عالمانه و محققانه خود بر غنای کتاب افزودند که ضمن سپاس از مساعدت رهنمودهای آن بزرگواران، دوام توفیقات توأم با عزت و عافیت برای آنان از ایزد متعالی مسألت می‌شود.

کتاب شریف «اسرار الشهادة» از نوادر کتب معارف حسینی علیهم السلام است، لذا نکته مهمی که به خوانندگان محترم این کتاب، خصوصاً عزیزانی که اطلاع کافی از آثار «مرحوم ملا آقا» نداشته و

یا تحت تأثیر سخنان و مکتوبات دیگران قرار گرفتند، پیشنهاد می‌گردد حتماً این کتاب شریف را با دقت و تأمل بیشتر مطالعه نمایند، چرا که پاسخ بسیاری از شبهات را در این کتاب نورانی خواهند یافت، لذا با چند بار مطالعه، مطالب دقیقه آن فهمیده خواهد شد. خصوصاً بخش تذیلات آن که حاوی نکات ظریفی است که به فرمایش مرحوم دربندی «در تذیلات هر مقدمه و هر مجلس، اسراری است که از قواعد مستفاده از آیات و سنت و اصول حکمت حکمه الهیه مستنبط شده است...» فافهم فتأمل.

سمن آرزوی تزییل در ظهور مبارک منتقم آل الله، مساعی و تلاش‌های صورت گرفته در تهیه کتاب حاضر و اسرار و ثواب آن را با نهایت فروتنی و ادب به نویسنده عالم و فاضل کتاب «اسرار الشهادة» تسلیم می‌گردد. همچنین که او نهایت تواضع را به محضر سیّد و سالار شهیدان علیه السلام داشته است. امید است که آن حضرت از نویسنده محترم و مترجم گرامی و عزیزانی که در تهیه این کتاب تلاش نموده‌اند به نیکی بپذیرد و باقیات الصالحات برای یوم‌الجزا باشد.

تذکره رمضان المبارک، ولادت با سعادت امام مجتبی علیه السلام

مع مدقربانپور - قم المقدسه



مقدمه حجة الاسلام و المسلمين استاد
عبدالحسين نيشابوري (بندانی)



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و على آله صلوات الله عليهم اجمعين

اللّٰعْن الدائم على اعدائهم اجمعين.

برای همگان در سبع سماوات و ارضین هیچ شک و تردیدی نیست که وجود شریف حضرت سید الشهداء علیه السلام خلیف الله بعد الله در عاشورا سال ۶۱ هـ عوالم را مدیون خود نموده است، چنانکه: «انّ الحسین مصباح الهدی سبقت الیها» هر کس به گونه‌ای خود را به این کشتی نجات رسانده تا نجات یافته و راه به هدایت برده است.

و هیچ شکی نیست که این کتاب شریف اولین و آخرین نوشته پیرامون عظمت آن حضرت و مصائب آن بزرگوار و اهل بیت و اصحاب آن حضرت علیهم السلام است که نوشته شده است، ولی نوعی تعظیم شعائر است که قرآن می‌فرماید:

«وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَآتَاهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۱

و مولایمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «نحن الشعائر...»^۲

و ما وظیفه داریم پیرامون آن حضرت هر روز، هر کجا که مناسبت دارد، به هر صورت که شرع دستور داده است عرض ادب و خدمت کنیم؛ با گریه، عزاداری، سیاهپوشی، ساخت حسینیه، تکیه، تعمیر گنبد و گلدسته، کتاب، شعر و دیگر شعائر.

از طرفی اگر همه علماء خدمت نمایند، تألیف و تصنیف کنند، خطباء و بلغاء منبر روند، شعراء مدح و ثناء و مرثیه خوانند، همه و همه صبح و شام در تمام عوالم تبلیغ امر ولایت کنند حقی کوچک از مودت «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» اداء نخواهند کرد که همه این عوالم امر به مودت این ذوات مقدسه شده‌اند. و خصوصاً گفتن و نوشتن پیرامون حضرت سیدالشهداء علیه السلام، کربلا، تربت، اشک، مقام آن، ثواب آن، اثرات آن، شهداء اهل بیت، اصحاب آن حضرت علیهم السلام گرچه کاری بس دشوار است، آنهم با کثرت اخبار و روایات و کتبی که در اختیار ماست.

و اگر همگان خالت بر سر بزنند، به سر و سینه زنند و پای برهنه به زیارت روند، در کوچه و بازار، زار زار گریه کنند، و در محله بدهند، هر روز مانند عاشورا و اربعین بسوزند و اقامه عزا کنند، باز حقی از حقوق بکن از محائب آن امام مظلوم علیه السلام اداء نشده است.

و به فرموده مرحوم دربندی در «عبادات ناصریه»: «یقین و اعتقاد بر این است که اگر گریه، بی تابی، بکاء و ناله حضرت زهرا علیها السلام و همه اهل آن مظلومه یعنی هزار نبی، هزار صدیق، هزار شهید و هزار هزار ملک با آن حالتی که در اخبار پیشین گفته شده نبوده، هرآینه می‌گفتم که گریه و بکائی که لایق حضرت سیدالشهداء علیهم السلام باشد، به عمل نیامده است و نخواهد آمد. هرچند بر آن مظلوم عطشان همه اهل دنیا از اول خلقت تا قیامت، گریه کنند.

در این میان یکی از کسانی که خدمتی شایان فرموده در عین حال که مظلوم و مأجور واقع شده است الشیخ العالم المخلص الصفی المولی آقابن عابد بن رمضان بن اهد الشیروانی الدربندی الحائری علیه الرحمة و الرضوان است که کتاب «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات» را که کتابی علمی، اعتقادی، تاریخی و مقتلی است، تألیف فرموده است رضوان الله تعالی علیه گرچه در این مختصر به یقین احوال آن مرجع دینی شیعه و کتاب شریف او اشاره‌ای بیش نیست، فرصتی دیگر و تألیفی جداگانه می‌طلبد، ولی از باب وظیفه‌ای که مسئولین «انتشارات طوبای محبت» لطف نموده و به حقیر سپرده‌اند، اشاره مختصری به احوال آن بزرگوار داریم.

مرحوم شیخ ملا آقا بن عابد بن (عباد) بن رمضان بن زاهد دربندی شیروانی حائری به فرموده

آقا بزرگ طهرانی علیه السلام: عالم متبحر و حکیم و بارع و فقیه فاضل و رجالی محدث، کثیر الحبّ لسید الشهداء علیهم السلام، کثیر التوجّع و البكاء و اللطم و النوح (انتهی موضع الحاجة). ایشان اهل دربند از روستاهای شیروان در استان خراسان شمالی است، آن بزرگوار به زبان ترکی هم سخن می‌گفته چنانکه اهل شیروان به فارسی و ترکی سخن می‌گویند.

(ه) (تولد): حدود سال ۱۲۰۸ هـ ق در (دربند) متولد شده است.

(ورود به حوزه علمیه): برای کسب علم ابتدا به قزوین آمده که در آن زمان حوزه علمیه مفصلی داشته است. در سال ۱۲۴۲ هـ ق که مرحوم علامه سید محمد مجاهد طباطبائی رحلت نموده، در تبعیت حرم سید از قزوین به کربلای معلی رفت و ساکن آنجا شد و در درس مرحوم شریف الدیلمی مازندانی حاضر شد و از محضر آن بزرگوار بهره برد، که اکثر جلسات درس همراه آنجراهمی نیاصل مرحوم ملا آقا بود. در سال ۱۲۴۶ هـ ق پس از رحلت استادش مرحوم شرف العالی مازندرانی (مدفون در سرداب منزلش در کربلای معلی) راهی نجف اشرف و پس از چند سال به کربلای معلی برگشت، در حالی که در علوم بسیاری متبحر گشته و از مراجع وقت شده بود و مشغول به تدریس خارج فقه و اصول و بعضی کتب دیگر شد و صاحب رساله عمده بود، تا آنجا که بیش از ۲۰ کتاب سنگین علمی در اصول و فقه و تاریخ کربلاء تألیف و از خود به جای گذاشته است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

(تاریخ فوت و مدفن): در اواخر عمر به طهران آمد و اقامه منبر علیه السلام می‌فرمود و وصیت نموده بود هر زمان من از دنیا رفتم جنازه‌ام را به کربلای معلی ببرید. و در (دربند - در غفور یا غرفه) در سال ۱۲۸۵ هـ ق وفات یافت. منتهی در اثر مسائلی نتوانستند او را بلافاصله به کربلای معلی ببرند، لذا جنازه آن بزرگوار را به طور امانت دفن کردند. بعد از ۶ ماه جنازه را از قبر بیرون آورده در حالتی که بدن صحیح و تازه و سالم بود، طبق وصیت به کربلای معلی بردند و کنار قبر مرحوم سید محمد مهدی صاحب «ریانی» در صحن شریف امام حسین علیه السلام به خاک سپردند، روحش شاد رضوان الله تعالی علیه.

در تاریخ رحلت آن بزرگوار سروده‌اند:

وانقصمت ظهور من قالوا بلی

انقصمت عری الهدی بفقده

قد طار روحه الی عرش العلی^۱

ومذاتانا نعیه أرخته

تألیفات:

۱. ۱. کرامات العبادات فی اسرار الشهادات معروف است، که در نهایت جودت و حسن تحریر و فصاحت و بلاغت و سلاطت و جزالت از خامه آن حبر نحریر بعرضه ظهور رسیده و اخبار مصیبت را جمع نمود است.
۲. جواهر الایمان در مقتل.
۳. الجوهرة یا جوهر الصنائة در انوار الالب.
۴. حجیة الاصول المشتبهة بها.
۵. خزائن الاحکام.
۶. خزائن الاصول.
۷. رساله ای در اکسیر.
۸. رساله ای در رجال و درایه.
۹. سعادات ناصریه در مقتل.
۱۰. عناوین الادلة در اصول (عناوین المسائل).
۱۱. الفن الاعلی فی الاعتقادات.
۱۲. فن التمرینات (که به خزائن الاصول در یک جا چاپ شده است).
۱۳. قوامیس الصناعة فی فنون الاخبار.
۱۴. قوامیس القواعد در رجال (قوامیس فی علم الرجال).
۱۵. رساله عملیه.

و...

۱. حاصل ابجد آن مساوی با ۱۲۸۵ می باشد که سال وفات آن بزرگوار است.

اشاره‌ای به خصائص و کلمات بزرگان پیرامون مرحوم دربندی

۱. تبخّر و احاطه بر کتب اهل خلاف

مباحثات و مناظرات او با اهل خلاف زبانزد بوده است، که در کتب مختلف از جمله «اسرارالشمادات» بعضی از آنها را ذکر فرموده است. مرحوم دربندی در سن ۲۰ سالگی شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید را درس می‌گفته و نقد می‌فرموده است.

۲. امر به معروف و نهی از منکر

مرحوم تنکابنی صاحب «قصص العلماء» می‌نویسد: در امر به معروف و نهی از منکر او حد اهل زمان بود، در مسائل مختلف اگر جایی خلاف شرع می‌دید، اظهار می‌فرمود. حتی بارها به بغداد رفته و در اذیت زواری گرفتن اموال شکایت برده و نتیجه‌ها داده است.

روزی ناصر الدین شاه دید که آمده، مرحوم ملا آقا دید که سیل شاه بلند است، فرمود: تو سلطان اسلام هستی، سبیت را اصلاح نکنی؛ و شارب نزدن خلاف قوانین اسلام است. شاه به جهت امتثال امر مرحوم ملا آقا دلاک را خواست و در همان مجلس قدری از سیلش را کوتاه کرد.

۳. احترام به کتب روایی و علمی

ادب و احترام به روایات و احادیث به نام مبارک اهل بیت علیهم‌السلام، به گنبد و ضریح و خاصه تربت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام کسب تقوی - اضافه بر انجام وظیفه - و کسب حسنه است. مرحوم ملا آغا دربندی هنگامی که تهذیب شیخ طوسی رحمته‌الله یا رحمته‌الله کتب دیگر را بر می‌داشت مانند کلام الله می‌بوسید و بر بالای سر می‌گذاشت و می‌فرمود: کتب انبار مانند قرآن محترمند. لذا طلاب محترم و شاگردان مکتب امام صادق علیه‌السلام خوب است بدانند ای به باب رابع «منیة المرید» شهید ثانی رحمته‌الله در این موضوع داشته باشند.

۴. احاطه به علوم مختلف و فصاحت و بلاغت

مرحوم ملا آقا دارای علوم معقول و مؤسس در علم منقول است. مرحوم تنکابنی می‌گوید: مکرر استاد سند، آقا سید ابراهیم می‌فرمود که: آخوند ملا آقا از ارباب فنّ اصول است و به او رجوع کنید.

و در علم کلام و حکمت مطالب معقول او به قوانین شرعیّه مطابق و در علم رجال أوحده رجال و معط رجال ارباب کمال و در فصاحت و بلاغت در دیار عرب و عجم، مسلم بود. صاحب قصص العلماء می فرماید: بلکه این فقیر در این اعصار در فصاحت و بلاغت برای او تالیف و ثانی ندیدم و همچنین در عربیت.

یکی از تالیفات آن بزرگوار، کتاب «خزائن» است که مشتمل بر ۳ مجلد است.

جلد اول: شرح منظومه بحر العلوم است در فقه، طهارت و قدری صلوة و فروع بی اندازه نوشته با استدلال در غایب احکام و اتقان و رواة.

جلد دوم: در ادب عقلیه بعد از استصحاب، تعارض استصحاب با قواعد فقهیه را با نهایت تحقیق بیان نموده، مثل علوم علیّه بد و لا ضرر و ید دلیل بر ملکیت و ما یضمن بصحیحه یضمن بفساده و غیرها من استوعد الیه. و روش آن بزرگوار این بوده که داخل هر مسئله از مسائل فروع یا اصول که می شد مسائل کبیره ای به شقوق مختلف ذکر می کرد.

جلد سوم: در اعتقادات و اصول عقاید مدینه و قوانین رجالیه و غیرها و اجتهاد و تقلید می باشد.

کتب دیگر آن بزرگوار در مسائل اصولی و فقهی و سن احادیث او به علوم مختلفه است.

نقل شده: زمانی مرحوم آیه الله شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر الکلام» برای زیارت مخصوصه ای به کربلای معلی (علی ساکنها آلاف التحية والثناء) مشرف شده بود؛ در موضوع فقه از محضر مرحوم دربندی پرسش نموده اند که آیا «جواهر الکرام» را دیده اید؟ مرحوم دربندی فرمودند: از «جواهر» در «خزائن» ما بسیار است.

کلام مرحوم مؤلف در مورد خودشان

«از بدو نشو و نما و صغر سن یعنی از سنّ شش و هفت سالگی خود را ندیدم مگر در مقام تدرّس و تدریس و تعلّم و تعلیم، و در خدمت کردن به اساتید کرام و اساطین فخام، تقصیری از این حقیر صادر نشد، و بعد از آن در مدّت قریب به ۳۰ سال عمر را صرف تصنیفات نمودم و در جمله کثیره از علوم و فنون حقّانیّه از معقول و منقول، مصنّفات چند به عمل آمد؛ مثل

«خزائن الاحکام» در شرح درّه نجفیه در فقه، و «خزائن الاصول» در اصول، و «فَنّ اَعْلَاء» در اعتقادات، و «فَنّ تمرینات» و «قوامیس الصناعة» در فنون اخبار و رجال و غیر ذلک، و کتب مبسوطه و مختصره که تخمیناً همه اینها به سیصد هزار بیت می‌رسد، و بعد از آن ملتفت به امور دقیق شده‌ام و آن این است که ارتکاب مشتقات و مزاوله متاعب در این مدیده هر چند مالی از بخر نخواهد شد ولیکن کاش در نصف این مدّت مشغول می‌شدم به عملی که احسن اعظم و ثوابش اکثر و خودش خالص از شوائب عیوب و اغراض نفسانیّه است، و آن تصنیف کتاب جامع است در معرفت اسرار و غوامض اخبار و آثار ادله بر فواضل و فضائل و مناقب آله تعالی و اهل بیت رسول الله ﷺ...»^۱

۵. ارادت و توجه من به اهل بیت علیهم السلام خاصّه حضرت سید الشهداء علیه السلام

مرحوم آغا بن علی طهرانی در خصوص مرحوم دربندی می‌فرماید: «کثیرالحبّ لسید الشهداء علیهم السلام، کثیر التوبع و الباء و اللطم و التوح». و بر اهل فنّ، معانی هر یک از این کلمات پوشیده نیست.

مرحوم ملا هاشم^۲ می‌فرماید:

«اول عاشق حضرت سید الشهداء علیه السلام بناب آخوند ملا آغا بن عابد بن رمضان الدر بندی صاحب کتاب «خزائن» و کتاب «اسرار الهدایة»، خلاصش به حدّی بود که بالای منبر هنگام مصیبت خواندن، بی اختیار عمامه‌اش را بر زمین می‌زد و لباسش را پاره می‌کرد و روز عاشوراء لباسهایش را از بدن خارج می‌کرد و رنگ به کمر می‌بست و گِل به صورت و محاسن می‌مالید و خاک به سر می‌ریخت و به هم‌سایه بیت، میان کوچه و بازار و بالای منبر می‌رفت.»

مرحوم ثقة المحدّثین شیخ عباس قمی در «هدیه الاحباب» می‌فرماید:

«الملاّ آقا بن عابد بن رمضان، شیخ فقیه متکلم محقق مدقق، جامع المعقول والمنقول عارف بالفقه و الاصول، کان من تلامیذة شریف العلماء و کان له فی حبّ اهل البيت علیهم السلام

۲. ملا هاشم خراسانی علیه السلام صاحب کتاب ارزشمند «منتخب التواریخ».

۱. سعادات ناصریه ص ۷.

سَيِّمًا سَيِّدَ الشَّهَدَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقَامٌ رَفِيعٌ وَ فِي التَّعَصُّبِ لِلشَّرِيعَةِ الْمُقَدَّسَةِ مَقَامٌ مُنْبِعٌ وَ لَهُ حِكَايَاتٌ فِي التَّعْزِيَةِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...».

مرحوم تنکابنی از شاگردان آن بزرگوار می فرماید:

« اقامه عزاء حضرت سیدالشهداء علیه السلام مواظب و متصلب و راسخ بود؛ به نحوی که در بالای منبر از شدت گریه غش می کرد و در روز عاشورا لباس خود را از بدن می کند و لنگ می بست و خاک به سر می ریخت و گِل به بدن می مالید و به همان هیئت بر منبر می رفت و تماماً اخلاص او به ائمه اطهار علیه السلام فوق اخلاص ابنای روزگار بود.»

خواص مرحوم دربندی

مرحوم دربندی در محبت، ندادن عصمت و طهارت علیه السلام خاصه حضرت سیدالشهداء علیه السلام محبت خاص و بی نهایتی داشت و در اجراء عذار و آن بزرگوار مساعی جمیله به کار برده و موارد بسیاری از وی نقل شده:

الف. عتبه بوسی آستان مقدس اهل بیت علیه السلام

زمانی مرحوم شیخ مرتضی انصاری که مرجع اعلامی شیعه بود (از شاگردان شریف العلماء و هم درس ملا آقا بود) برای زیارت به کربلای معلی مشرف شده بود، هنگامی که خواستند همراه مرحوم دربندی و جمعی دیگر وارد حرم حضرت عباس علیه السلام شوند، مرحوم دربندی فرمودند: عتبه حضرت عباس علیه السلام را ببوسید که مردم ببینند مرجع شیعه نسبت به عتبه و ادب به این خاندان چگونه است و یاد بگیرند (قریب به این بیان). مرحوم شیخ انصاری عتبه را بوسیدند ولی فرمودند: من به عنوان عتبه حضرت عباس علیه السلام نبوسیدم (که آن مقامی است) بلکه جای پای زوار حضرت عباس علیه السلام را بوسیدم.

و شبیه این ماجرا در نجف اشرف هم نقل شده است. و فرمودند: عتبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را باید حسنین علیه السلام ببوسند، من جای پای زوار حضرت عباس علیه السلام را می بوسم.

ب. روضه حضرت عباس علیه السلام در تبریز و شفای ۲۷ نفر

مرحوم دربندی در ایام اقامتش در عتبات، به منظور زیارت حضرت ثامن الحجج علیه السلام به ایران آمده و در هنگام مراجعت، از طریق آذربایجان عازم عتبات عالیات گردید. پیش از مراجعت به عتبات، بنا به تقاضای مردم متدین تبریز، به مدت ۱۰ روز در آن شهر اقامت کرد و در مسجد جامع تبریز، بساط تبلیغ و ارشاد گسترده کرد.

می گویند: جاذبه منبر ایشان به قدری بوده که همه فضای مدرسه طالبیه و مساجد موجود در آن، از مردم تبریز و اطراف آن دلسوخته سالار شهیدان علیه السلام مملو از جمعیت می گشت و هر روز جمعی از عاشقان حسینی علیه السلام، در اثناء روضه ایشان غش می کردند و روی دست ها از مساجد بیرون برده می شدند.

در آذربایجان مردم اسفند که در روز آخر هر مجلسی به قمر بنی هاشم علیه السلام توسل می جویند. لذا مرحوم دربندی نیز اوز نهم مجلس اعلام کرد: فردا روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام را می خوانم، هر کس مریض صعب العلاجی دارد به اینجا بیاورد که ان شاء الله شفای همه شان را از قمر بنی هاشم علیه السلام برسانم.

روز بعد، هر چه مریض و مریضه در شهر تبریز بود به مجلس ایشان آوردند، تعداد بیمارانی که با پای خود به مجلس آمدند بی شمار بود و تعداد کسانی که روی تخت و یا با وسایل دیگر به مجلس آورده شده بودند به بیست و هفت نفر می رسیدند.

هنگامی که مرحوم دربندی وارد مسجد شد، نزد بیماران رفت و از آنها تفقدی کرد و به آنان فرمود: چند لحظه دیگر صبر کنید و همگی با شفای کامل از این مجلس بیرون خواهید رفت.

زمانی نیز که بر فراز منبر قرار گرفت، خطاب به قمر بنی هاشم علیه السلام عرض کرد ای مولای من! من به عنوان نوکر شما، به اهالی این شهر وعده داده ام که امروز همه بیماران از این مجلس با تن سالم بیرون روند. از کرم شما به دور است که نوکر خود را در میان این سمه مردم بی اعتبار کنید. آنگاه روضه بسیار باحالی خواند که در نتیجه آن همه مردم با بی تابگریه کردند و جمعی هم غش نمودند و روی دست مردم به بیرون برده شدند.

هنگامی که مجلس به پایان رسید، همه آن ۲۷ نفر با پای خود، با تن سالم و شفای کامل به

منزل خود رفتند. و این یکی از برکات حضرت ابوالفضل علیه السلام است که در یک مجلس دهها نفر مریض صعب العلاج با توسل به آن باب الحوائج الی الله، شفا یافتند.^۱

اشاره‌ای به مقام معنوی آن بزرگوار

مرحوم شیخ مرتضی انصاری^۲ رضوان الله تعالی علیه نقل شده:

(دو سال و دو روز و سه خلد پیش از رسیدن و از ایشان درخواست کردند از طرف خودشان عالم معتمدی را با عنوان «ماینده مبلّغ و...» به طهران بفرستد. مرحوم شیخ یکی از شاگردان خود را که از اهالی طهران و برای مقامات علمی و تقوی و فضل بود، امر فرمود به همراه این جماعت به طهران بروند. آن سید هم قبول فرمود و اسباب سفر را فراهم و بالاخره همراه آنان به راه افتاد، مدتی نگذشته بود که دیدند این عالم سید به نجف برگشته است. شیخ انصاری علیه السلام وقتی ایشان را دید تعجب کرد و فرمود: چرا برگشته‌ای؟ سید فرمود: با آنها رفتم اما در بین راه خوابی دیدم، لذا تا روز چهارشنبه در خواب می‌مانم، اگر رؤیا صادقه باشد که می‌مانم، در غیر این صورت به سمت طهران حرکت می‌کنم.

مرحوم شیخ فرمود: چه خوابی؟ سید عالم فرمود عالم دیگر را در خواب دیدم و قصری بزرگ مشاهده نمودم، سؤال کردم: این قصر از کیست؟ گفتند: این قصر از آن توست. سید طهرانی می‌گوید: تا این کلام را شنیدم، قصد کردم داخل قصر شوم، گفتند: خیر، الان اجازه ورود نداری. گفتم: چه زمانی اذن دخول دارم؟ گفتند: در روز جمعه می‌توانی داخل شوی. سید به مرحوم شیخ می‌فرماید: من این خواب را تفسیر کردم که زمان مرگ من روز جمعه است، لذا برگشته و با آنها نرفته‌ام که اگر وفات نمودم، در نجف در جوار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دفن شوم، و اگر نمردم، به زودی به طهران می‌روم.

۱. آثار و برکات حضرت امام حسین علیه السلام ص ۳۹۲، به نقل از چهره درخشان قمربنی هاشم علیه السلام ۱ / ۴۹۱.

۲. الشیخ مرتضی بن محمد آسین الدزفولی الانصاری علیه السلام، نسب ایشان به جابر بن عبدالله انصاری می‌رسد، ولادت در دزفول

و در ادامه سید طهرانی به شیخ می فرماید:

(در عالم خواب بعد از دیدن قصر خودم) شروع به راه رفتن کردم. قصری را دیدم که بزرگتر، زیباتر و بهتر از قصر من بود، سؤال کردم این قصر از کیست؟ گفتند: از آن شیخ نصاری است. دوباره به راه افتادم، قصری دیدم که بزرگتر، زیباتر و بهتر از دو قصر قبلی بود. سؤال کردم این قصر از کیست؟ گفتند: از آن شیخ ملا آقا دربندی علیه السلام است. تعجب کردم چون شیخ نصاری در عالم دنیا بزرگتر و شهرتش بیشتر از شیخ دربندی علیه السلام بود.

سؤال کردم: چرا قصر شیخ دربندی بزرگتر از قصر شیخ نصاری است؟ گفتند:

«ان هذا عطاء الحسين علیه السلام؛ این لطف و هدیه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

روز جمعه آمد. به شیخ خبر دادند که سید طهرانی وفات نموده. مرحوم شیخ رفتند و نماز بر او خوانده و او را دفن کردند، معلوم شد که رؤیا صادق بود.

اما سخن شیخ نصاری علیه السلام پیرامون این خراب

فرموده بودند: «در فکر بودم که شیخ نصاری علیه السلام دارد که من ندارم، او عالم است من هم عالم می باشم، او مدرّس است من هم مدرّس هستم، او مؤلف است من هم مؤلف می باشم، چه چیزی او دارد که من ندارم؛ بعد به فکر رسیدم، او یکی از خطباء و منبری های امام حسین علیه السلام است و به منبر می رود و برای سیدالشهداء علیه السلام قرائت معصیت می کند، اما من این کار را انجام نمی دهم، لذا فرمود: در هر روز شخصی بیاید و چند دقیقه ای ذکر مصیبت کند، بعد من درس را شروع می کنم.^۱

انصاف، حسادت، عناد، کم...

با توجه به ظرافت ها و نکات دقیقه ای که در کتاب شریف «اسرارالشهادة» موجود است و برخی با نگاهی سطحی و ظاهری، عامداً و یا سهواً، مطالبی پیرامون این کتاب مطرح نموده اند، لازم است به چند موضوع اشاره کنیم:

۱. آیا مرحوم دربندی و بعضی بزرگان چنین فرموده‌اند که آنچه در این کتاب است همه به یقین وحی منزل است و جای هیچ شک و شبهه‌ای در کتاب نیست، که عده‌ای با دیدن چند داستان ضعیف و یا روایت ضعیف تمام کتاب مؤلف را زیر سؤال می‌برند.

۲. در خیلی کتب دیگر مطالب ضعیف هم پیدا می‌شود، و مرحوم ملا آقا، این مطالب را فقط برای جذب آن ماجرا آورده است. لذا وجود آن در یک کتاب تحقیقی، علمی و تاریخی، دلایل بر ضعف همه کتاب نیست، خیلی از مطالب متواتر است، بعضی صحیح و شهرت فراوانی دارد که بر اصل حریه و حدیث پوشیده نیست.

۳. افرادی که عینک بدبینی در مورد مرحوم دربندی به چشم زده‌اند، آیا تمامی تألیفات و کتب مرحوم دربندی را مطالعه کرده‌اند و یا تمام کتب مرحوم دربندی را در فقه و اصول اصلاً متوجه می‌شوند، و یا اصلاً از رشته کاری آنها بیرون است، که نسبت به این مرجع عالم شیعه با زبان یا قلم جسارت می‌کنند.

۴. آیا قسمت پُر لیوان آب را ندیده‌اند، که با بی‌انسیاف عده‌ای گفته‌اند و جماعتی بدون تحقیق به پیروی از آنها، کلمات را تکرار می‌کنند، گاهی اصلاً اسم کتاب را صحیح تلفظ نمی‌کنند.

۵. فرق است بین روایت ضعیف و مجعول. در ضعیف تردید می‌شود، به عنوان معاضد استفاده می‌شود، در سنن مورد استفاده قرار می‌گیرد در مجعول تردید نمی‌شود.

۶. بعضی افرادی که اظهاراتی دارند، آیا تمام کتاب «اسرار الشهادة» را از اول تا آخر، مخصوصاً استدلال‌ها را دیده و فهمیده‌اند.

۷. آیا اگر کسی در یک کتاب موضوعی را دید و با عقلش سازگار نبود باید همه کتاب را زیر سؤال ببرد؟!

اولاً: مگر هر چه در دین و مذهب و تاریخ، امامت و اعتقادات آمده باید با عقل سازگاری داشته باشد، مگر عقل تشخیص می‌دهد چرا نماز صبح دو رکعت است و چرا باید جهراً خواند؟!

دوم: آیا مراد از عقل که باید از آن استفاده کرد هر عقلی است؛ مگر بافته‌ها و یافته‌های

دیگران است که هر روز بر آن حاشیه بزنیم و هر کس هر چه دوست داشت بگوید و بنویسد، بعد شاگردش ردیه آن را بنویسد بعد شاگرد شاگرد... .

به عنوان مثال در قدرت امام علیه السلام (چه در جنگ و چه غیر آن) امام معصوم را با افراد دیگر یاس کرده، زمان را در نظر گرفته و ضربات شمشیر را می گوید با عقل سازگاری ندارد، همه را به حساب مرحوم دربندی نوشته است. قبل از هر مطلب باید بداند روایات متعدد داریم «یقاس بنا أحد؛ کسی را با ما قیاس نکنید» و لا اقل فضائل و کرامات و عظمت امام علیه السلام را در کتب روایی ببیند بعد فضاوت کند. دیگر اینکه به این حضرات صاحب العصر و الزمان می گویند.

و از همه مهمتر این احصاء عرض کسب اعتقادات و روش دیگران و... از غیر شیعه، باید به اعتقادات خود طبق آیات قرآن، روایات در عظمت، فضائل و صفات امام معصوم و اهل بیت علیهم السلام نگاهی داشته باشند.

عقاید خود را به آیات و روایات ولایی عرضه کنند، مقدمه «تفسیر برهان» را ببینند، «بصائر الدرجات» ابوالحسن صفار رضی الله عنه، «معالم النبی فی النشأة الاولى و الاخری» مرحوم بحرانی، «حقّ الیقین» علامه مجلسی رضی الله عنه، یا لا اقل به «تحف العقول» روایت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام در صفات امام معصوم علیه السلام نگاهی داشته باشند. نه با تفسیر به رأی آیات و روایات و با ردّ بعضی روایات متواتر و صحیح و با بعضی عقول... برای معصوم علیه السلام اظهار نظر کنند. اگر روایات کثیره و صحیحه و متواتره را در عظمت و علم و قدرت امام علیه السلام دیده بودند باب مخالفت با خیلی از مقاتل و شجاعت آن حضرات را باز نمی کردند. امام کیست، خلقت نورانیت، عالم بالا، در بین مردم و...

نتیجه اینکه اگر در کتابی ضعفی بود، ضعیفی بود، همه کتاب و مؤلف او را نباید زیر سؤال برد، به او بی ادبی کرد. به مانند «بحار» علامه مجلسی رضی الله عنه که فرموده غواصّ ماهر، جواهرات را از غیرش استخراج کند و بقیّه قاعدتاً رها می شود.

۸. آیا بزرگان ما اعتراض به بیان خلاف واقع نداشتند؟ آیا مانع از بیان روضه ای یا مطلبی دروغ به زعم بعضی در روضه و منابر نبودند؟ چرا بودند. امر به معروف و نهی از منکر

می کردند، ولی به کتاب و مؤلف آن جسارت نمی کردند.

اینگونه رفتار در شأن یک عالم بود، محترمانه، با بیانی لین و متقن نه به صرف احتمال، آن هم قضاوت در مورد مسئله‌ای که در رشته کاری آنها نبوده و اطلاعی پیرامون آن نداشته‌اند که گاهی آگاهانه و گاهی ناآگاهانه، آب به آسیاب معاویه می ریزند.

۶. آیا متن ضعیفی در کتاب بدین معناست که نویسنده آن کتاب، آن را خود ساخته است؟ چنینی که ممکن است مؤلف، آن داستان و ماجرا را از کسی که مورد وثوق او بوده نقل کرده باشد. و مدفون بود، که هر چه درباره آن ماجرا یا قضیه نقل شده بیان کند و صحت و سقم آن را به دانشندان محققان بعد واگذار کرده است.

صرف اینکه کسی نسبت به آن کتب یا قضیه دروغ است آیا از درجه اعتبار ساقط می شود؟ و باید حرف او را قبول کرد؟ آیا این معصوم است که حرفش را قبول کنیم؟ این مطالب که تعبیدی نیست، تقلیدی نیست، خود اشخاص باید بروند و تحقیق کنند. مگر آن اقا تمام کتب مقتلی، تاریخی و... را دیده است و پیدا نکرده است و ضعف و دروغ را تشخیص داده است؟ یا نه، به صرف اینکه می گوید: من ندیده‌ام و من ننسیده‌ام، عقل سازگاری ندارد، می شود حرفی را قبول کرد؟

صرف شهرت کسی، در موضوعی که به کار او ربطی ندارد آیا می شود حرفش را قبول کرد؟

اگر در هر کتاب و موضوع و قضیه‌ای راجع به مقتل نظر بدیم مثل «اسرار الشهادة» و بعضی کتب دیگر، اشک همه خشک می شود.

چون این هجمه‌ها، دامن منبر و همه کتب را می گیرد، بارها و بارها بالاخص جوانان گفته‌اند تا مقتلی و یا مطلبی از منبری یا مداح می شنویم می گوئیم این ماجرا هم نکند از آنها باشد که دروغ است، ضعیف است، در این فکر و خیال اشک چشمم خشک می شود. و از طرفی خیلی‌ها هم نقل نمی کنند مبدا ایراد بگیرند، لذا از داستان‌های پیرامون واقعه عظمای کربلا محروم می شوند.

آیا اگر ماجرای را با شاخ و برگ در جایی خواند باید همه ذاکرین و مادحین و وعاظ و اهل

منبر و روضه و کتب مؤلفه پیرامون آن را زیر سؤال برد یا باید به همان شخص تذکر داد و به همه علنی بی ادبی نکنیم.

ای کاش افرادی مانند مرحوم دربندی، طریحی، نراقی، شیخ جعفر شوشتری رضوان الله علیهم ... زنده بودند، که اولاً گریستن و عزاداری را به عده‌ای بیاموزند که روایات و احادیث در سیره بزرگان ما در اقامه مجالس، اشک، تباکی و عزاداری و دسته‌جات و آنچه مربوط است به شهدای علیهم السلام بوده است، و چون نام مبارک امام حسین علیه السلام را می‌شنیدند چه حالی پیدا می‌کردند.

چگونه بیخ عین الکریم حائری‌ها گریه می‌کردند و از خود بی خود می‌شدند، چطور آیه الله کوهستانی‌ها عزاداری می‌کردند که به مرحوم دربندی افراطی نگویند.

بله، نمی‌دانند گریه چیست؟ مری، به اصطلاحات چسبیده و کی شنیده و دیده که مجتهدی لُنگ ببندد، گِل بر سر و صورت بمالد با آن هیئت منبر برود، و گاهی عَش می‌کند و از منبر به زیر می‌افتد رضوان الله تعالی علیهم.

کاش این قلم‌ها و زبان‌ها و کاغذها و برمایه‌ها تبلیغ ولایت به کار می‌رفت (البته لیاقت می‌خواهد) نه اینکه خواسته و ناخواسته شمشیر دشمن را تیز کنند.

و هر کسی در هر جا دست به قلم شود تحریفات بنویسد، و هر کس هر روضه را نشنیده یا ندیده دروغ بپندارد و حال اینکه نه مطالعه و تحقیق مقتلی داشته که سب خطی، چاپ سنگی، چاپ جدید و مقاتل فهرست شده در کتابخانه‌ها مؤلفین آنها، چه علما، و بزرگان بوده‌اند و لا اقل به «الذریعه» مراجعه و پیگیری کند سپس قضاوت نماید.

نتیجه این بلند پروازی‌ها، اقدامات عجولانه، اسم و رسم پیدا کردن‌ها و قضاوت نایب‌ها این می‌شود که وهابیت از کتب به اصطلاح تحریفات شیعه‌ها، کتاب مقتل می‌نویسد و بیان می‌کند ببینید فلانی در آن کتاب گفته است این روضه دروغ است، فلان فرد هم این روضه را دروغ می‌داند، فلانی این ۸ مورد را و...، در نتیجه به دروغ گریه می‌کنند، اینها حرفهای خودشان را قبول ندارند، اکاذیب می‌بافند، در نتیجه به همه کتب شبهه وارد می‌کنند و حال آنکه از ابتداء تا انتها ۵ یا ۶ مورد است در مقاتل که سندی آنچنانی ندارند و مردم هم خود به

آنها بهاء نمی دهند و اهل علم و فضل هم که آنها را بیان نمی کنند. و پر واضح است که همه را از زیر سؤال بردن بدون مطالعه، اینچنین مفاسدی دارد.

و این افراد فردای قیامت نزد رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام و علمایی که به آنها بی ادبی کرده اند و کسانی که به خاطر حرفهای بی اساس آنها اشکشان را خشک کرده اند باید جواب دهند و بجاست که بافته های شخصی و بازی با اصطلاحات به کار کسی نمی آید.

باب اول العالم قتل الحسين بکربلا عطشاناً

۱. علماء، زرگان دانشمندان مطلع شیعه در طول قرون و اعصار از سر احساس وظیفه و تکلیف و ارادت خاص به آستان مقدس حضرت سید الشهداء علیهم السلام و علاقه به عزاداری و واقعه عاشوراء، همیشه مراقب بودند تا ناپیلهای نابجا - بیانات نادرست، بی سند و... عظمت واقعه عاشوراء را تحت الشعاع قرار ندهند (اگرچه عاشوراء بالاتر و والاتر از آن است که به نقطه ای از افلاک آن به اندازه سر سوزنی کزندی برسد) ولی با مطالعه همه جانبه، با مراجعه به مدارک موجود و همه کتب مربوطه بعد از بررسی، تقریباً صددرصدی الصدور بودنش تذکر می دادند نه اینکه با اسم تحریف و با اندکی اصطلاح یاد گرفتن، بدون مراجعه به همه کتب، تیشه به ریشه اصل عزاء و مقتل بزنند، حال یا ناآگاه یا با عناد!! این چنین می کنند.

۲. دشمنان شیعه در تمام دنیا از شبکه ها، سایت ها، جزوات، کتب، مقالات، سخنرانی ها با ایجاد شبهه، شک و تردید به وجود آوردن، حمله همه جانبه ای را بر ضد تشیع بالاخص عزاء و منبر و مداحی حسینی علیهم السلام شروع کرده اند. نه از الان، بلکه از قدیم الامم می بینیم چند سال قبل در لندن کنفرانس و جلسات شیعه شناسی تشکیل دادند، جالب بود بعد از مدتی (حدود ۱۱ ماه جلسه) معلوم شد عده ای از این جماعت، وهابی هستند و عده ای یهودی و مسلمانان کنفرانس راهکارهایی را برای براندازی شیعه تصویب کرده بودند که شامل بعضی از موارد زیر است:

- نام های غیر ولایی به جای نام های اهل بیتی آورده شود، خدیجه، فاطمه، زهرا، زینب صلوات الله علیهن... کنار رود و اسم های جدید آورده شود.

- لباس مشکی از نشان بیرون آورده شود (یعنی کاری کنند که لباس مشکی به تن نکنند) و ملاحظه می کنید چقدر زیاد کارهایشان نتیجه داده است.

- افتراء بستن به سخنرانی های منابر حسینی، نسبت دروغ دادن به مطالب روضه ها، قتل ها، به حالت مسخرگی، جُک و فکاهی جلوه دادن روضه مداحی، و روضه خوان اهل منبر.

- ایجاد تشکیک در روایات و روضه ها و افسانه و خرافات جلوه دادن آنها.

- روش برای کم رنگ کردن قطع و از بین بردن ارتباط عاطفی عاشوراء و حالات گریه و پاه برهنگی و ...

- جایز ندانستن طمه و سینه زدن و ... توهین به هیئتی ها و دسته جات عزاداری و ...

- به جای روحانی مُلبس از شمشیر کت و شلواری استفاده کردن، آن هم غیر روحانی نه معمولی، بلکه کسی را می آورند که کت و شلواری باشد و ریشش را هم تراشیده باشد.

دشمنان منابر حسینی و عزاداری امام حسین علیه السلام این طریق هجمه ها نموده اند. همه و همه برای کم رنگ کردن منبر و وعظ و خطابه هسته و هیئت، اشک و تباهی، اطعام، مشکی پوشیدن و ... است چه اینکه می دانند عزاداری امام حسین علیه السلام است که توحید و قرآن و نبوت و امامت و روایات و دین، و خلاصه اعتقادات را حفظ کرده است. چه اینکه مردم با آمدن به مجالس امام حسین علیه السلام، احکام، اخلاق، تاریخ، اعتقادات، آداب زندگی، تفاسیر، قرآن، داستان ها و قصص گذشتگان، اثبات وجود نبی و امام علیه السلام، لزوم بودن آنها را درک، حفظ و یاد می گیرند و به آن پایبند می شوند.

(تنبیّه)

ماجرای مرحوم شیخ جعفر شوشتری: در قضیه سفر حاج شیخ جعفر شوشتری رحمته الله به ایران، وقتی ایشان وارد تهران شدند جمعیتی زیاد از جمله سفیر کشور روسیه به ملاقاتش رفتند. مردم از آن مرحوم خواستند آنها را موعظه و نصیحت کند، ایشان نیز به درخواست مردم سرش را بلند کرده فرمود: ای مردم! بدانید و آگاه باشید که خدا در همه جا حاضر است و

مطلب دیگری نفرمود، لکن این سخن تکان دهنده اثر خودش را بخشید به طوری که اشک‌ها جاری گردید، قلب‌ها در هم تپید و حالت مردم به شکل عجیبی دگرگون شد. جریان گذشت و سفیر روسیه در نامه‌ای به نیکلای قیصر روس این چنین نوشت: تا مادامی که این قشر رومیون مذهبی در بین مردم هستند و مردم نیز از آنها پیروی می‌کنند ما نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم، زیرا وقتی یک جمله چنین انقلاب عجیب روحی به وجود می‌آورد، دیگر دستورات و فتاوی صادره چه خواهد کرد؟!^۱

لذا قبل از هر کاری مناسبتی که مربوط به آن را مورد تشکیک قرار می‌دهند نه با روشی عالمانه، بلکه با کمالاتی ادبی و خصمانه. به علمایی مانند مرحوم طریحی، مرحوم دربندی و نراقی بی‌ادبی می‌نماند به کسانی که سالیان سال، مجتهدین از محضر آنها استفاده برده، اجازه نقل حدیث و اجتهاد به افشا داده‌اند، صاحب رساله عملیه بوده‌اند، کنگره برای افرادی مثل نراقی گرفته‌اند. مراجعی که یکی از علماء می‌فرمایند: صاحبان نظر در اصول، در فقه، در لغت، در رجال، در تفسیر و... بوده‌اند. چرا اینچنین؟!^۲

لذا تشکیک در اقامه عزای حسینی علیه السلام و آنچه پیرامون آن است، از بزرگترین، در عین حال آسانترین، کم هزینه‌ترین و پراثرترین وسایل تخریب اخلاق، ایمان و اعتقاد (خلاصه، دین) مردم است.

اما کتاب حاضر

«اکسیرالعبادة فی اسرارالشهادة» معروف به «اسرارالشهادة» شامل ۱۲ مقدمه نورانی عامی و اکثراً استدلالی، و ۴۴ مجلس وسیع و یک خاتمه که شامل ۳ مجلس می‌باشد که مجالس آخر شامل ۴ تذئیل است.

خلقت نورانی اهل بیت علیهم السلام خاصه حضرت سیدالشهداء علیه السلام، مصائب آن حضرت و اسرار شهادت آن حضرت در اعلیٰ علین، در زمین، اثرات آن شهادت و عظمت مصیبت، عظمت

سیدالشهداء علیه السلام، عظمت عزاداری بر حضرت علیه السلام، عظمت اشک، روایات مربوط به حلال زاده بودن محبین امیرالمؤمنین علیه السلام، عظمت زمین کربلا، حائر شریف، تربت اعلی حضرت سیدالشهداء علیه السلام، اجر و ثواب انفاق در راه اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً مجالس امام حسین علیه السلام، ثواب زیارت، برکات زیارت، حقیقت زیارت و زائر و شهادت او و بستگان و یاران حضرت سیدالشهداء علیه السلام.

سخن منصف که شمه‌ای از آیات و روایات ولایی را دیده و از فقه و اصول رجال و حدیث بهر سو رفته باشد، با مطالعه (لا اقل) اوائل کتاب و بررسی روایاتی که مرحوم فاضل دربندی، مکاسب و وار به توضیح و تشریح آنها از نظر مفهوم، منطوق، مدلول، رجال، نوع حدیث و غیره در دسترس است، بی شک به مقام علمی و معرفت ولایی آن بزرگوار در دفاع از ولایت و امامت و سایر اهل بیت خواهد برد. و در طول مقدمات و مجالس و خاتمه کتاب سوز و گداز این مرجع شیعه (که از صفات خاص مراجع شیعه می باشد) را در مصائب خامس آل عبا حضرت سیدالشهداء علیه السلام به وضوح مشاهده می کند.

ترجمه اسرار الشهادة

«اسرار الشهادة» توسط خود مرحوم دربندی، قبل از دیگران دو بار، اما نه به صورت کامل، ترجمه شده است.

«جواهر الايقان» که خیلی از مطالب اسرار الشهادة است ترجمه شده است ولی اضافاتی هم دارد.

«سعادات ناصریه» که آن هم خیلی از مطالبش از اسرار الشهادة است ترجمه شده ولی با اضافاتی.

کتاب حاضر را «حاج میرزا حسین شریعتمدار تبریزی» به نام «انوار السعادة فی اسرار الشهادة» در سال ۱۳۳۱ هـ ق به درخواست «حسین پاشا خان امیر بهادر» به فارسی ترجمه نموده است، که طبع حاضر توسط انتشارات طوبای محبت با بازنگری، تحقیق و تصحیح جدید، به علاقه‌مندان ارائه نموده‌اند.

مؤلف محترم در خاتمه «اسرار الشهادة» می فرماید:

در صبح جمعه نیمه ذی القعدة سال ۱۲۷۲ هـ ق تألیف «اسرار الشهادة» به اتمام رسیده است و مدت تألیف کتاب را ۱۸ ماه ذکر می فرمایند.

(لشروع • تألیف حدود ۱۵ جمادی الاولى سال ۱۲۷۰ هـ ق بوده است).

به فرموده مرحوم آقا بزرگ طهرانی می فرماید:

از آغاز کتاب استفاده می شود که هنگام تألیف این کتاب عمرش از ۵۰ متجاوز بوده است.*

در خاتمه: خداوند را از مروّجین ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد معصومینش علیهم السلام قرار

دهد و توفیق خدمت به آستان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به همه ما مرحمت فرماید.

السّلام علی من أطال له سبته العین والبكاء.

السّلام علی الباکیں لخامس اصحاب الکسا.

السّلام علی اهل المصیبة والعزاء.

و آخر دعوانا

اللّهم عجل لولیک الفرج

فم الشیخة: عبدالحسین نیشابوری

* سایر منابع مورد استفاده در مقدمه:

۱. الذریعة: ۲ / ۲۹۷ / ۴ / ۲۹۱ / ۷ / ۱۵۲؛

۲. اعیان الشیعة: ۲ / ۸۷؛

۳. منتخب التواریخ: ص ۷۷۸؛

۴. معجم مؤلفی الشیعة؛

۵. ریحانة الادب: ۱ / ۲۱۷ - ۲۱۶؛

۶. قصص العلماء: ص ۱۰۷ - ۱۱۱ و...؛

۷. هدیه الاحباب: ص ۱۸۷؛